

مطالعه کاربرد تعلیم و تربیت اسلامی در هنر با تکیه بر سیره امام علی (ع)

مرجان جلیلی^۱، محمد رضا شریف زاده^۲

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

^۲ دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

نویسنده مسئول:

محمد رضا شریف زاده

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۴۶-۵۶

چکیده:

هنر یگانه و برنده ترین وسیله است که می توان با استفاده از آن اخلاق اجتماعی را مطابق به بستر فرهنگی آن به رهنمود گرفت. امام خمینی (ره) می فرماید فرهنگ اساس ملت است. اساس استقلال یک ملیت است. و راس همه اصلاحات اصلاح فرهنگ است. از نظر ایشان، اصلاح فرهنگ عمومی، بازگشت به فرهنگ اصیل و ناب اسلامی است. هنر به عنوان یکی از مولفه های ظهور فرهنگ و تمدن ها جایگاه ویژه ای در میان انسانها داشته و در پرورش اجتماعی مخاطبان بسیار تاثیر گذار عمل کرده است هنر با فرهنگ جامعه ارتباطی منطقی و ناگسستنی داشته که به گسترش و پذیرش آن در میان مردم نیز می انجامیده است ولی امروزه بانگاهی به وضعیت هنر معاصر ایران و آسیب شناسی آن میتوان گفت: کمبود وجود هنرمندان خلاق و نوآور و آشنا با مبانی هنر اسلامی، یکی از خلاهای عرصه هنر در جامعه ی امروز ما و گرایش شدید به سبک های مدرن غرب از آسیب های جدی هنر معاصر ایران است. این پژوهش در نظر دارد با توجه به این مهم که هنر را بستری منحصر به فرد برای رسیدن به اهداف بسیار مهم در تربیت اجتماعی می داند که در شکل گیری هویت فرهنگی، در شخصیت مخاطب نقش اساسی ایجاد می کند به نقش آموزش هنر در تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به سیره امام علی (ع) بپردازد چون سبک زندگی امام علی (ع) همان سبک زندگی قرآن و اسلام است و این سبک، فرهنگ مردمان ایران می باشد. هنر پایه اصل و اساس تربیت است. و هنرمندانی که با توجه به آموزه های علی (ع) آموزش ببینند تمامی آموزه های اعتقادی و اخلاقی را در آثار هنریشان بازتاب خواهند داد.

واژگان کلیدی: فرهنگ عمومی، آموزش هنر، تربیت اسلامی و شیعی، امام علی(ع)

مقدمه:

هنر به عنوان یکی از مولفه های ظهور فرهنگ و تمدن ها جایگاه ویژه ای در میان انسانها داشته و نقش محوری در پیشرفت و تعالی جوامع ایفا کرده است. با ظهور اسلام، تمدن جدیدی شکل گرفت و فرهنگ اسلامی در جوامعی که کلام وحی در آنها طنین انداز شد، به سرعت گسترش یافت. این تحول در عرصه هنر نیز ظاهر شد که به دلیل تمایز چشمگیر خود با دیگر آثار هنری، هنر اسلامی یا هنرهای اسلامی نام گرفت. هنر اسلامی تلاش کرد به مخاطب خود یاری رساند تا حقایق الهی را در ساحت مادی تجربه کرده و سوار بر بالهای زیبایی به سوی جایگاه اصلی خود که همانا «قرب الهی» است، حرکت کند. (ریبیعی، ۱۳۸۸، ص ۷).

هنرمندان مسلمان تلاش می کنند تا نشان دهد که زمانی که در مکانی کار میکنند که به او متعلق نیست، خود پسندی و غرور محلی از اعراب ندارد، همه چیز متعلق به خداوند قادر است که مالک همه چیز است. علاوه بر این یک هنرمند مسلمان تلاش می کند تا خود و دیگران را بنده و خدمتکار نشان دهد تا «ارباب»، کسی که به او اعتماد شده نه «مالک» و در آخر موجودی فروتن و فانی و نه خالقی تظاهر گر. (Spahic, ۲۰۱۵، ۱۰۳). اثر هنری به طور ذاتی از طریق انتقال پیام و اندیشه نهفته در خود، درصدد شکل دهی به اندیشه و باور مخاطب است و این یک عملکرد تربیتی است. هنرمند همواره از طریق بیان هنری درصدد انتقال ارزش های ذهنی خویش و نفی ضد ارزش ها است و می کوشد از راه تولید اثر هنری در شکل گیری بینش و نگرش جامعه سهم ایفا کند. بنابراین بعد تربیتی و آموزه ای یکی از خصوصیات ذاتی هنر است. یکی از مهم ترین رکن های رسالت هنر تربیت انسان است که منشا الهی و پیامبری دارد. هنر با ارسال پیام های مفهومی، محتوایی و تربیتی که از متن اثر هنری برمی خیزد به صافی روان های خسته مخاطبین پرداخته و آنها را وادی دارد تا در واکنش های متاثر شده از اثر هنری حرکات و پیامدهای مثبتی از خود تراوش دهند. نقش هنر در تربیت جوامع دارای سو می باشد از یک سو متوجه هنرمند و از سوی دیگر نظر به مخاطبین دارد. هنرمند اثری که خلق می نماید صفای روحی و معنوی می بیند و از سوی دیگر روح مخاطبین را پالایش داده به رستگاری سوق می دهد. ارتباط ایجاد شده بین هنرمند و مخاطب ذهنی و حسی بوده و روان هر دو را پالایش می بخشد.

می توان هنر را به عنوان تلاشی برای بیان معنا و تجلی و تحقق باورهای ذهنی قلمداد کرد. بر این اساس هر کدام از گرایش های هنری براساس بخشی از نیازهای معنوی، ذهنی، روحی و عاطفی فرد و جامعه مبادرت به تولید و عرضه اثر هنری می کنند. آن چه که از مطالعه آثار و دستاوردهای هنری بشر در طول تاریخ استنباط می شود، این است که آثار هنری توانسته اثر از بدیهی ترین نیازها انسان نظیر میل غریزی به آزینگری تا اقتضائات عالی او نظیر میل به کمال و دستیابی به معرفت را محقق کند. به طوری که عنصر کمال و تکاپوی معنوی انسان همواره از طریق زایش هنری مورد توجه قرار گرفته است. در سالهای اخیر هنرمندان ایرانی اسلامی با سیل ایسم های هنری مواجهه هستند که ریشه در فرهنگ اسلامی و شیعی جامعه ایران ندارند و خود را در فلسفه و فرهنگ متفاوت غرب گرفتار کرده اند که نتیجه آن تولید آثار هنری است که ریشه در اعتقادات مردمان این سرزمین ندارد و تبدیل به هنری بی اصالت می گردند که قادر نیستند نقش تربیتی خود را ایفا کنند. این مقاله به توصیف تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر سیره امام علی پرداخته و به تاثیر اثرات آن برای مخاطب مسلمان در جامعه شیعی و اسلامی پرداخته است. این چارچوب بر پایه مجموعه ای از آموزه های، ارزشها و اصول توحیدی بنا شده است که هم به طور مستقیم و هم به شکل ضمنی از قرآن و سنت پیامبر و شیوه زندگی امیر المومنان حضرت علی (ع) به عنوان منابع جاودان و الهی شیعی و اسلامی به دست آمده است.

بنا بر این تفسیر ها این مقاله در نظر دارد به باز معرفی تاثیر فرهنگ اسلامی و شیعه در جامعه هنری ایران، هنرمندان و مخاطب هنر بپردازد برای دست یافتن به این مهم اول به تبیین معنای فرهنگ، آموزش هنر، معنای زیبایی در هنر اسلامی پرداخته شده است. و برای روشن تر شدن مسئله پژوهش به سراغ فتوت نامه ها که مرانامه های اهل هنر و پیشه است و به نوعی فرهنگ کار در سنت شیعه است رفته تا با مفهوم هنر و صنعت و شیوه آموزش هنرمندان و صنعتگران در سنت شیعیان آشنا شویم. فتوت از رسول اکرم (ص) به امیر مومنان منتقل شده است. پس فتوت از ولایت جدایی ناپذیر است بنابراین جز از راه علی (ع) نمی توان به فتوت و بصیرت باطنی در کار، پیشه و هنر دست یافت. پیر همه استادان پیشه و حرفه، حضرت امیرالمومنین است. برای توجیه فتوت، امامت لازم است و نزد شیعیان قطب فتوت علی (ع) و خاتم آن امام دوازدهم مهدی (عج) است.

پیشینه تحقیق:

در بررسی های به عمل آمده مشخص گردیده است مقاله ای با این عنوان در پایگاههای علمی ثبت نگردیده است اما دو عنوان مقاله با نامهای نقش هنر در تربیت معنوی از مهدونژاد و افضلی و مقاله نقش اخلاق هنر در تعالی فرهنگی از حسن بلخاری به دست آمد که تا حدودی می توان همسویی با مقالات مذکور ایجاد کرد.

روش تحقیق:

این مقاله به روش کیفی، با رویکرد اسنادی و توصیفی بر اساس مطالعات اسناد آرشیوی و کتابخانه ای بوده است و نویسنده بعد از مطالعه منابع موجود مبادرت به فیش بردای نموده و در آخر به تجزیه و تحلیل مطالب جمع آوری کرده مبادرت نموده است.

فرهنگ:

ویژگی فرهنگ: فرهنگ نظم بخش رفتار، افراد و تقویت کننده و همکاری میان آنهاست. ویک امر اجتماعی است یعنی نمی توان آن را به یک فرد نسبت داد. فرهنگ همواره یک گروه، یک قشر، قوم می باشد. وانتقالی و اکتسابی است. فرهنگ مهم ترین و اصیل ترین وسیله و ابزار حفظ یک جامعه یا پایدارترین وجه آن است. و مورد قبول اکثریت جامعه مردم می باشد. تا کنون از فرهنگ تعاریف متعدد و کم و بیش مشابهی ارائه شده است. تایلور فرهنگ را در معنی دانش و عقاید، هنرها، اخلاق، رسوم و سایر یافته های اجتماعی انسان به کار می برد. و مالینوسفسکی آن را شامل «فرهنگ مادی، ارزشها، هنجارها و رفتارهای واقعی، می داند در حالی که رادکلیف براون بر این عقیده است که فرهنگ «شکل های استاندارد شده رفتار، افکار و احساسات اعضای جامعه است. در جستجوی تعریف جامع تر و فراگیرتر از فرهنگ، شاید بتوان گفت فرهنگ هر جامعه ثمره کوشش هایی است که اعضای آن جامعه در طول قرون و نسل ها در پاسخگویی بر نیازهای مادی و غیرمادی خود به عمل آورده اند. (ن.گ کوش، ۱۳۸۱، ۱۱۲-۸۸)

فرهنگ یک امر تحقق یافته است. فرهنگ یک جامعه، ناظر به کیفیت موجود در آن جامعه است. واقعیتی که اکنون در آن جامعه وجود دارد. همین ویژگی یکی از وجوه تمایز بین فرهنگ و دین و ایدئولوژی می باشد. زیرا دین یک امر حقیقی ناظر به الگو و وضعیت مطلوب بر آدمی است حال آنکه فرهنگ یک جامعه هیچ گاه کمال یافته مطلق و مطلوب نیست، بلکه همواره قابلیت تکامل دارد. فرهنگ عمومی یعنی فرهنگ ی که متعلق به عموم مردم است و مترداف با فرهنگ عامه.

فرهنگ عمومی یعنی عرصه ای از فرهنگ که در رابطه ای مستقیم با عموم مردم دارد و در برابر فرهنگ خاصه قرار می گیرد که بخش یا قلمرویی یا جنبه ای از فرهنگ قلمداد می شود که چندان رابطه مستقیمی با عموم ندارد. فرهنگ عمومی مولفه هایی از فرهنگ است که تأثیرات آن عام و فراگیری می باشد و عامه مردم در کیفیت آن نقش دارند و از شیوه رفتارهای عمومی مردم یا عرف و عادات و رسوم و زبان ساخته می شود و یا تأیید مشهود می پذیرد و عموم جنبه ها و عرصه ها و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می دهد و عموم مردم نسبت به آنها حساسیت و شناخت دارند. فرهنگ عمومی مانند کل نظام فرهنگی در چهار وجه ظاهر می شود: درونی، روانی، نمادی و نهادی و آثار ی از این رو می توان از رگه های فرهنگ عمومی را در همه این جلوه ها یافت. فرهنگ عمومی، در کنار فرهنگ رسمی، در همه حوزه های زندگی اجتماعی، خانواده، حکومت، اقتصاد و آموزش و پرورش نظایر این حضور دارد. (همان، ۱۱۵)

در اصلاح فرهنگ عمومی می بایست نکات زیر را در نظر داشت و به کار بست:

تغییر در باورها و دیدگاههای مردم، دخالت مردم برای تغییر، توجه و اهمیت به قدرت فرهنگ در جریان و تکامل جامعه و در نظر گرفتن باورهای اصیل مذهبی و ملی مردم جامعه به عنوان پایه های بنیادین برای تغییر. امام خمینی(ره) می فرماید فرهنگ اساس ملت است. اساس ملیت یک ملت است اساس استقلال یک ملیت است. و راس همه اصلاحات اصلاح فرهنگ است. راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می شود. از نظر امام خمینی: اصلاح فرهنگ عمومی، بازگشت به فرهنگ اصیل و ناب اسلامی است: باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد، اگر ما موفق بشویم به اینکه فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود افرادی که تربیت می شوند در آن فرهنگ و در آن مدارس انسان هستند

آموزش تربیتی هنر و ارتباط آن با اخلاق و فرهنگ:

بانگاهی به وضعیت هنر معاصر ایران و آسیب شناسی آن می توان گفت: وجود هنرمندان خلاق و نوآور و آشنا با مبانی هنر ایرانی اسلامی، یکی از خلاهای عرصه هنر در جامعه ی امروز ما و گرایش شدید به سبک های مدرن غرب از آسیب های جدی هنر معاصر ایران است. از آنجا که میان افق و متن فرهنگی و دیدگاه هنر غربی و هنر ایران هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد و از دو دنیای متفاوت هستند، تقلید و سرسپردگی به هنر غرب، هنر ایران را از اساس دگرگون ساخته و فضای سنتی و خلاق آن را نابود کرده است. بدین گونه، فاصله ی میان جامعه، هنر و هنرمند هر روز بیش تر می شود با این شرایط، دنیای هنر قادر نیست نیازهای اجتماعی، فرهنگی و هنری جامعه پاسخ گوید. خلا در زمینه ی نوآوری پایدار و اصیل، متناسب با فرهنگ و نیاز جامعه، هم چنان ادامه دارد و نمی توان انتظار توسعه و شکوفایی هنر را در ابعاد گوناگون آن داشت (مهدیزاده، ۱۳۸۴: ص ۴). از آنجائیکه رابطه هنر و تربیت، رابطه ای دیرین است. بدون تردید تعلیم و تربیت یکی از کهن ترین و اساسی ترین موضوعاتی است که در طول تاریخ مورد توجه جوامع بشری بوده است. زیرا عرصه تربیت از مهم ترین زیرساخت های تعالی کشورها است و اگر این ابزار به درستی با فرهنگ آن کشور نتواند همسویی ایجاد نماید نمی تواند افرادی مستقل، توانا، خلاق و مسئولیت پذیری برای پیشرفت جامعه تربیت نماید. و اگر هنر در کشور ما دچار نوعی آشفتگی، پریشانی و بی هویتی است، یکی از علل مهم آن دستگاه آموزشی است که بعد تربیتی هنر را نادیده گرفته اند و هنرمندان کشور ما با نبود فرهنگ تربیتی متناسب با جامعه ایرانی اسلامی غرق در فضای فکری هنری غرب شده اند و از یاد برده اند که هنری ارزشمند است که هنرمند در آن بیان کننده ی ارزش جمعی و معنوی جامعه باشد. در هنر ایران، معنویت عنصری ذاتی بوده و هنر با فرهنگ جامعه ارتباطی منطقی و ناگسستنی داشته که به گسترش و پذیرش آن در میان مردم نیز می انجامیده است. هنری که نتیجه فرهنگ غرب باشد نمی تواند با فرهنگ اسلامی شیعی مردمان این سرزمین ارتباط برقرار کند و مخاطبان هنر را دچار نوعی سردرگمی و بی هویتی می نماید. بدون وجود تربیت هنری غنی و متنوع، و متناسب با فرهنگ آن جامعه ظرفیت های درونی انسان ها ناشناخته می ماند و نظام آموزشی نمی تواند فرصت های ناب و واقعی را برای رشد و پیشرفت جامعه فراهم کند. بنابراین تثبیت هنری به عنوان یک ضرورت و اولویت در نظام آموزشی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

بلخاری نیز هنر را بستری منحصر به فرد برای رسیدن به اهداف بسیار مهم در تربیت اجتماعی می داند که در شکل گیری هویت فرهنگی، در شخصیت مخاطب ایجاد می کند. او هنر را پایه اصل و اساس تربیت می داند. نسبت میان هنر و اخلاق از مهم ترین و بنیادی ترین مباحث نظری هنر از زمان های دور تا به امروز است. تاثیر شگرف هنر در آثار هنری در احساسات و عواطف انسانی و نیز قدرت بی نظیر آن در تبدیل ایده به کنش و مهم تر تثبیت و تحکیم آموزه های اخلاقی و حق تعمیم ادراکات اخلاقی، از عوامل اصلی این اهمیت و جایگاه بنیادی است. (بلخاری، ۱۳۸۹: ص ۱۶۳). همانطور که می دانیم عمر هر اثر هنری به میزان ارتباط با درون انسان و با حقیقت وجودی وی وابسته است چنان که در فرهنگ ها و مکاتب فکری، مختلف، هنر همگام و گاه بیشتر از روش های اعتقادی در تاثیر گذاری تربیتی نقش داشته است. بنابراین با توجه به این که معنویت تا اندازه قابل توجهی با مفهوم اصالت و زیبایی همبستگی دارد اگر آثار هنری از این دو موهبت به طور توانمند برخوردار باشد تاثیر مضاعفی بر مخاطب خواهد گذاشت. هنر از بهترین ابزارها است که آن ها را در رسیدن به آموزش و پرورش یاری می نماید. هنر از بهترین ابزارها و فرصتی مناسب برای انتقال سنت ها و ارزش های حاکم به جامعه به جوانان و تقویت جنبه های فرهنگی به شمار می آید که طریق محتوای آن می تواند بین نسل جوان و فرهنگ رابطه ی محکم و مطمئن به وجود آورد.

از دیدگاه برخی فلاسفه و متفکران نسبت میان هنر و اخلاق چنان مستحکم و بارز است که لاجرم هر دو با کارکردهای یکسان در تعالی بشر نقش دارند. اخلاقیات به تعادل رفتاری و ظهوری رفتارهای مناسب در جامعه و تنظیم روابط و رفتارهای به انسان کمک می کند و هنر نیز با برجسته کردن، تمرکز و مهم تر ارائه زیبایی شناسانه آنها در تبدیل ایده به کنش، نقش چشمگیر دارد. لاجرم بنا به تاثیر انکار ناپذیر اثر هنری بر روح مخاطب، نقش آن در تکمیل و تتمیم مکارم اخلاقی نقشی بسیار مهم و قابل اعتنا است. (بلخاری، ۱۳۸۹: ص ۱۷۲) مهم ترین سند در اثبات تاثیر و تاجر در ساحت آثار هنری و تعالی اخلاقی، فتوت نامه ها هستند. فتوت نامه ها در تاریخ فرهنگ اسلامی به مثابه یک منشور، از غایت صنعت و در اصل غایت اعمال و افعال انسان در زندگی فردی و اجتماعی اش می گفتند. این رسائل جهت و ماهیت عمل را روشن می ساختند و به حرف، هنرها و صناعات هویتی کاملاً اخلاقی و معنوی می بخشیدند.

هنر در اسلام

حدیث (خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد) نشان دهنده اهمیت اساسی زیبایی معنکس در هنر در زندگی انسان از نظرگاه اسلامی است. خداوند انسان را به عنوان زیباترین مخلوق روی زمین و در بهترین کالبد آفریده و به آن ها قدرت تعقل و بصیرت داد (التین، ۴). او انسان را به

عنوان جانشین خود روی زمین آفرید مقدر کرد تا هیچ گاه از کلام روشنگر خداوند محروم نشوند. مگر آن که راه خود را گم کنند، به مخالفت با میل و تقدیر خدای خویش بپایزند، و به تدریج مست خود پستی، خودبینی شوند و به خرافات گوناگون پیرامون وجود و خلقت خود و کائنات بپردازند (البقره، ۳۹-۴۰) زمانی که این خصوصیات بشر با بندگی آن‌ها برای خالق، خداوندگار جهانیان پیوند می خورد، آنها با اعتماد Spahic (۲۰۱۵، ۱۰۵) ارزش خود را کم کم نشان می دهند و سطح خود را از فرشتگان بالاتر می برند.

پیامبر می فرماید که خداوند حضرت آدم ابوالبشر را به و در صورت خود آفرید. (صحیح مسلمان، حدیث شمار ۶۸۰۹). به عبارتی دیگر، خداوند به آدم جان، دانش، و توانایی شنیدن، دیدن و فهم را اعطا کرد. هنرهای اسلامی بیانگر این نکته است به وجود می آیند تا در خدمت خالق و سرور جهانیان باشد. هنرمندان مسلمان، از روی تواضع و اشتیاق برای شناسایی خداوند قادر به عنوان خالق یکتا، آغازگر و صورتگر، تلاش می کند تا هنر خود را استوار کنند تا زمانی که همه چیز تمام شد یک تاثیر طبیعی و روحانی به ذهن متبادر شود تا اینکه توجه به کار بشر جلب شود. خشوع مذهبی که یکی از مهمترین خصیصه های شخصیت مسلمان است به محیط ساخت اثر هنری هم سرایت می کند. (Spahic، ۲۰۱۵، ۱۱۲). همچنین هنر اسلامی تاثیر گرفته از دنیایی ماورایی است که آن را دنیای مثال یا عالم خیال می گویند؛ که هنر دینی اسلامی، بیشترین الهام خود را از عالم مثال دریافت می کند که نه مادی است و نه مجرد محض؛ این عالم، از مشخصات ماده تنها اندازه و شکل و مقدار را دارد نه جمیع خواص ماده را. این عالم، حقیقت برتر اشیاء را بیان می دارد و هنر اسلامی ملهم از چنین وادی ملکوتی است. ریخته گران نیز در مقاله ای به این نتیجه می رسد که عرفان محتوای هنر اسلامی است. اگر در عنصر مقومی که یک تخته را آرتیستیک می کند در مغرب زمین الهام شاعرانه است، در تمدن ما الهام شاعرانه، بازگشت به دین می کند، بازگشت به ولایت و حقیقت دین دارد؛ در تمدن ما نوعی پیوند ذاتی و ماهوی میان هنر و عرفان وجود دارد. عرفان ذات هنر است. در تمدن ما هنر، عرفان است. (ریخته گران، ۱۳۸۵، ص ۷۹) هنر اسلامی هنری است که نشان دهنده حقایق الهی منبعث از دین اسلام باشد. بنابراین می توان به طور کلی گفت هنر اسلامی هنری است که حقایق الهی و منبعث از دین اسلام را بازگو کرده و انسان را به شناختی از جهان و هستی می رساند که مورد نظر دین اسلام است. هنر به عنوان یکی از مولفه های ظهور فرهنگ و تمدن ها جایگاه ویژه ای در میان انسانها داشته و نقش محوری در پیشرفت و تعالی جوامع ایفا کرده است. با ظهور اسلام، تمدن جدیدی شکل گرفت و فرهنگ اسلامی در جوامعی که کلام وحی در آنها طنین انداز شد، به سرعت گسترش یافت. این تحول در عرصه هنر نیز ظاهر شد که به دلیل تمایز چشمگیر خود با دیگر آثار هنری، هنر اسلامی یا هنرهای اسلامی نام گرفت. هنر اسلامی تلاش کرد به مخاطب خود یاری رساند تا حقایق الهی را در ساحت مادی تجربه کرده و سوار بر بالهای زیبایی به سوی جایگاه اصلی خود که همانا «قرب الهی» است، حرکت کند. (ربیع، ۱۳۸۸، ص ۷) در اغلب سنین الهی کار و پیشه از جایگاهی قدسی و معنوی برخوردار است؛ زیرا انسان از عمل بیهوده باز داشته شده است. به عبارت دیگر در اغلب سنین الهی هنر یا پیشه دارای معنای روحانی است. هنر در عالم اسلام در بستر تصوف و عرفان رشد کرده است و بهترین مستندات تاریخی در این زمینه فتوت نامه ها هستند. فتوت نامه طریقت نامه یا مرانامه های اهل حرف و صنعت هنر می باشد که با سیره امام علی(ع) تربیت شده اند.

فتوت نامه ها:

مطابق قول پژوهشگران، واژه فارسی جوانمردی مترادف لغت عربی فتوت از خصوصیات بارز ((فرهنگ و تمدن معنوی)) اسلامی است. پژوهش های تاریخی ظهور فتیان یا عیاران را آغاز سده چهارم/دهم نشان می دهد ولی ظاهراً اصول جوانمردی در سده پنجم تکوین یافته و آثار تالیفی مربوط به آن پیوند میان فتوت و تصوف را روشن می کند. (کربن، ۱۳۸۳، ص ۳). مرحوم دکتر سیداحمد فردید فتوت را هم معنا و هم ریشه با «پادیا» یونانی می داند، پادیا یونانی یعنی فرهنگ؛ پس شاید بتوان فتوت نامه ها در عالم شیعیان به نوعی فرهنگ کار و هنر تعبیر کرد. هنر در عالم اسلام در بستر تصوف و عرفان رشد کرده است و بهترین مستندات تاریخی در این زمینه فتوت نامه ها هستند. لفظ فتوت در آغاز به معنای شجاعت و جوانمردی به کار برده می شد. اما به تدریج، معنای روح طریقتی صنایع و هنرها را به خود گرفت؛ یعنی تحول از روحیه پهلوانی و جنگاوری به روحیه هنری. در این متون، به مسائلی از این قبیل پرداخته می شود: وظیفه هنرمند چیست، چه روش هایی را باید در سلوک بیاموزد و چه باید بکند. پس هنرمند باید در درجه نخست اهل فتوت باشد. (پازوکی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸۷). دین دارای سه جنبه شریعت، طریقت و حقیقت دانسته می شود که به ترتیب به ظاهر، باطن، و باطن باطن دین اشاره دارند. از نگاه عرفانی در این تقسیم بندی، هنرمند اهل طریقت است و لذا آنچه برای او ضروری است، نه ابداعات و کنش های فردی و خود خواسته، که تعهد به اصولی است که در طریق آن هنر را می باید آموخت. از این رو، در این نگرش آنچه موضوعیت دارد، نه شخص هنرمند، که اصناف هنرمندان است. بنابراین، هنر در این جایگاه برای عرفا موضوعیت یافته و در قالب فتوت نامه هایی که همان طریقت نامه هستند به آن پرداخته اند.

ابراهیم بنیگذار فتوت است و پدر فتیان خوانده می شود. فتوت از ابراهیم به اسماعیل و پس از او نسل به نسل به پیامبران دیگر انتقال یافته تا به حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی رسیده است. کمالات فتوت مخفی بود تا در پیامبر اسلام جلوه بیرونی یافت. فتوت به وسیله جبرئیل که یار خداست، به پیامبری که یار جبرئیل است، انتقال یافته و از راه پیامبران به اولیاء الله رسیده است و این بر مبنای رخدادی است که مطابق با آن پیامبر در مراسم خاصی با سه با ریختن کفی نمک به قدحی پر آب، و پس از خوراندن جرعه ای از آب به علی (ع) فرمود: ((تو رفیق منی، من رفیق جبرئیل و جبرئیل جبرائیل رفیق خدا)). آگاهی که علی (ع) از پیامبر دریافت کرد، توسط خداوند از طریق جبرئیل به پیامبران تفویض شده بود. فتوت از رسول اکرم به امیر مومنان علی (ع) منتقل شده است. علی نبی نبود اما ولی بود و تا صور اسرافیل کسی در فتوت همپای او نخواهد بود که جبرئیل به پیامبر گفته است. «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار». و یا «انا مدینه العلم و علی بابها». پیامبر شهر شریعت و طریقت و حقیقت است و علی دروازه آن. بنابراین، جز از راه علی به هیچ یک نمی توان راه یافت. (طهوری، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳). برای توجیه فتوت، امامت لازم است و نزد شیعیان قطب فتوت علی (ع) و خاتم آن امام دوازدهم مهدی (عج) است.

حرفه کسی که به فتوت می پیوندد، هر چه باشد به نوعی خدمت جوانمردی تبدیل می شود. «پیامبران و اولیا به جهت فتوت و ایمان به جوانمردی بود که به مقام نبوت و ولایت رسیدند.» (کرین، ۱۳۸۳، ص ۵۳) در فصل دوم رساله چیت سازان، «هنر چیت سازی بدون شناختن مبانی معنوی آن نوعی شرک» محسوب شده و به خوبی پیداست که باید این هنر را «به گونه عملی مقدس به شمار آورد تا تضمینی برای نجات شخص در روز رستاخیز باشد» به همین سبب حلقه های جوانمردان با نقل یکی از آیات قرآن به همراه هر عملی که برای هر یک از مراحل کار انجام می گیرد. مفهوم تفسیری و تاویلی آن عمل در پیوند با مفهوم آیه بیان می شود. چون تاویل همه حقایق منزل بر عهده امام است، پیر همه استادان پیشه و حرفه، حضرت امیرالمومنین است. امام علی فتوا را از دست محمد(ص) دریافت کرد و با تعبیه نهی معنوی، آب چهار چشمه را در آن جاری ساخت. چون علی(ع) به همه مفاهیم «الرحمن الرحیم» آگاهی داشت نمونه کامل یک جوانمرد محسوب می شد. شهاب الدین عمر سهروردی، چهار ستون شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت را چهار ستون اسلام ذکر می کند، چهار راهی برای نشان دادن چهار جهت اصلی، تا هر کس بتواند راه خود را انتخاب کند. «فتوت مرکز و کانون» این چهار راه چون علی (ع) با تعبیه نهی معنوی بر سر راه چهار چشمه معرفت امکان نوشیدن آب حیات را در اختیار همگان قرار داد، در مرکز این چهار راه قرار دارد و قطب فتوت خوانده می شود. به همین سبب بنیانگذاری همه پیشه ها و حرفه ها به او می رسد. حال این علی کیست که سرسلسله شیعیان در انجام امور است او چه کسی است که اهل فن و هنر در مرامنامه خود او را پیر همه استادان پیشه و حرفه می دانند؟

علی (ع) پیر همه استادان پیشه و حرفه:

امر المومنین(ع) سخنی در مورد فتوت دارد و می فرمایند که فتوت هشت مبنا دارد، هر دوتا از این هشت مبنا به یک فضیلت برمی گردند. حضرت علی(ع) فتوت را به چهار فضیلت استوار دانست که یکی عفت است و یکی شجاعت یکی حکمت و دیگری هم عدالت است. سبک زندگی امام علی (ع) همان سبک زندگی قرآنی و اسلامی است حضرت علی (ع) در سایه تربیت پیامبر(ص) و قرآن بود و یکی از تبیین کنندگان و مفسران علمی و عملی قرآن بشمار می رود. حضرت علی(ع) یکی از اولوالامراهایی است که اطاعت ایشان واجب است. (نساء، آیه ۵۹). در آیات قرآن «حضرت علی (ع) به عنوان عالم و دانایی به تمام کتاب(رعد، آیه ۴۳)، از راسخون در علم(آل عمران، آیه ۷)، از اهل عصمت و طهارت(احزاب، آیه ۳۳)، اهل الذکر(انبیاء، آیه ۷) و ده ها عنوان و دارنده فضایل بسیار دیگر معرفی شده است. پیامبر(ص) می فرماید: هر که می خواهد به «آدم» و علم او «نوح» و تقوای او و «ابراهیم» و بردباری او «موسی» و هیبت او «عیسی» و عبادت او بنگرد، به علی ابن ابی طالب بنگرد. (ارشاد القلوب، ص ۲۱۷)

با توجه به آیات و روایت هر فردی اگر بخواهد سبک زندگی قرآنی اسلامی داشته باشد باید زندگی را از امیرمومنان(ع) بیاموزد. از نظر پیامبر(ص) هر کسی که شیعه امام علی باشد و پا در جای پای ایشان گذاشت رستگار خواهد شد. بنابراین لازم است تا هر مسلمانی سبک زندگی امام را بشناسد و براساس آن رفتار نماید.

برخی از ویژگی های سبک زندگی امیرمومنان:

۱- حلال خواری و خشنودی خدا و پیامبر: از مهم ترین ویژگی هایی که یک انسان مومن را از غیر مومن متمایز می کند همین اموری است که حضرت صادق(ع) در این حدیث فرموده است: به خدا سوگند علی ابن ابی طالب(ع) تا روزی که از دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر

دو راهی، که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت ترین آنها را برگزید هر حادثه مهمی که برای پیامبر پیش می آمد به دلیل اعتمادی که به علی داشت از او کمک می گرفت (المناقب، ج ۳، ص ۱۱۰).

۲- پشتیبانی حق و سازش ناپذیر: از ویژگی های آن حضرت، نداشتن سازش با مخالفان حق و عدل و برخورداری از قاطعیت انقلابی در راه انجام وظیفه بود. آن حضرت می فرماید: به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و راه گمراهی پیشی گیرد، نه سازش می کنم و نه سستی (نهج البلاغه، الخطب: ۲۴).

۳- رضایت خداوند اصل اساس در سیاست علوی: امیرمومنان (ع) جز برای رضایت خداوند گامی برنداشت و بر آن بود تا با خداوند در حالا «راضیه مرضیه» با نفس مطمئن ملاقات کند (فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰).

۴- عدالت خواهی و عدالت محوری: از دیگر سیاست های راهبردی امام علی (ع) در سبک زندگی ایشان عدالت خواهی و عدالت محوری است: حضرت علی می فرماید: به خدا سوگند اگر اقلیم های هفت گانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهن موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد (نهج البلاغه، خ ۲۲۲).

۵- همدلی و همدردی با درماندگان: سیاست مردمی و جانبداری از مظلومان و محرومان از اصول کلی زمامداری امیرمومنان بود. ایشان با همدلی و همدردی با مذردم بر آن بود تا حق و عدالت را اجرا کند.

۶- همدردی با مردم و یآوری محرومان: درباره همدردی آن حضرت با مردم می توان به این سخن حضرت استناد کرد که فرمود: هیئات که هوی و هوسم بر من چیره شود و شکم بارگی به گزینش طعام های لذیذ وادارم کند، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد. (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۷- پیشتاز در عمل نیک و خیر: قرآن از سرعت و سبقت گیری مومنان در کارهای نیک و خیر سخن به میان آورده و آنان را تشویق می کند (بقره، آیه ۱۴۸). اسوه های ایمان و عمل همواره در هر کاری خیر و نیکی پیشگام بوده و هستند. حضرت امیرالمومنین (ع) درباره خود می فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمی خوانم مگر آنکه خود بر شما در عمل به آن پیشی می جویم و از هیچ گناهی نهی نمی کنم- مگر آنکه پیش از شما خود را از عمل به آن باز می دارم. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳).

۸- کاروتلاش: آن حضرت با توجه به موقعیت های زندگی کاری را انجام می داد که نیاز جامعه بدان بود و امکانش برایش فراهم بود در روایت آمده است که امام علی (ع) هنگام شخم زدن زمین این آیه را می خواند: ایحسب الانسان ان یتوک سدی: آیا انسان گمان می کند که رها شده است؟! (قیامت: آیه ۳۶). آن حضرت زندگی اش را از راه کار و تلاش تامین می کرد و می فرمود: ای مردم کوفه اگر مرا دیدید که با اندوخته ای بیشتر از وسایل شخصی زندگی و مرکب و غلام خود از نزد شما برگشتم، بدانید که خائن بوده ام.

۹- ساده زیستی: آن حضرت با آن که درآمد خوبی از کار و تلاش خویش در نخلستان ها داشت ولی همه آنها را در راه خدا انفاق می کرد و خود بهره ای نمی برد.

رسیدن به مراتب عالی در هنر به نزاکت طبع بستگی دارد و هنرمند هنگامی به این مقام دست می یابد که شایستگی خود را در تبعیت از مولای متقیان علی (ع) در پارسایی و ریاضت و مجاهدت به اثبات رساند. در سبب اسناد هنر به حضرت علی (ع) و ظهور آغازینش به دست ایشان، و نیز بستگی حسن اثر در متابعت از سخنان او در پیراستن درون به وسیله خوشنویسی، اگر به مفهوم ولایت در تشیع و تصوف رجوع کنیم و هدف هنرمندان را از هنر خویش نه تنها کسب حلال در پیشه ای که در پناه بردن به ولایت برای رسیدن به حقیقت بدانیم. بیراه نرفته ایم.

فتوت نامه سلطانی یکی از مهم ترین و جامع ترین نوشته ها در بیان احوال اهل حرفه و پیشه و بستگی آن ها به جوانمردی است و فتوت را به سبب اسناد آن «حضرت شاه ولایت» علی (ع)، توصیف کرده است. موضوع علم فتوت نفس انسانی است برای آن که با ارادت به صفات نیکو آراسته گردد و از اعمال زشت سر باز زند «تا رستگاری یابد و به نجات ابد برسد» فتوت به تعبیر خواص عبارت است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت صفات نفسانی». در حقیقت فتوت نوری است از عالم قدسی. از امام حسین (ع) نقل است که فرمود: فتوت به عهد ازل وفا کردن است و بر صراط مستقیم دین ثابت قدم ماندن. بنابراین ارتباط مستقیم فتوت با دین و بر زدندن از شاخه رسالت کاملاً روشن است. در میان اهل فتوت، نه تنها جبرئیل واسطه میان خداوند و پیامبران برای وحی و ابلاغ رسالت دینی است که در هنر چنین است. به سبب ارتباط نزدیک میان فتوت و تصوف، چنان که مبانی دین به پیامبران وحی می شود، مبادی هنر هم از همان طریق در میان مردم رواج می یابد. در واقع هنرمند از طریق آیین و دین خاصی که توسط پیامبری ابلاغ شده است، اهلیت رویت حقیقت را می یابد و جان او شایسته پذیرش امانت

خداوندی می شود تا آن را به صورت اثر هنری به مردم هدیه کند. هنرمندی که نتیجه نیل به رویت حقیقت است با ارتقای رتبه وجودی فرد به سبب تزکیه نفس مطابق شریعتی ویژه و از طریقت آیین خاصی حاصل می شود. بدین ترتیب هنر از خود خداوند سرچشمه می گیرد و به واسطه جبرئیل امین از طریق پیامبران به اولیاء الله انتقال می یابد تا ایشان به نوبه خود آن را به پیران و استادان فن تعلیم دهند. این است که منشاء هنر و اثر هنری به خداوند می رسد و در نتیجه شایستگی فرد از طریق تهذیب نفس است که او شایسته هنرمندی می شود یعنی از توانایی ویژه ای بهره مند می گردد تا بتواند به معنای ملکوتی یا روحانی، صورت ملکی یا محسوس دهد. (طهوری، ۱۳۹۱، ۲۳۲). پس فتوت ظهور نور فطرت است که تزکیه نفس از مبادی آن محسوب می شود. بر این مبناست که در فتوت اصل تزکیه جان و دل و باری رساندن به هر چیزی است که بتواند حجاب ظلمت را از برابر انوار معنوی کنار بزند. (کربن، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

فصل اول رساله کاشانی تفسیر او از حدیثی منسوب به امام (ع) که به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: «عفو در وقت قدرت، و تواضع در زمان دولت و سخا در وقت فقر و عطا کردن بدون منت». کاشانی در این فصول به توبه به معنی دگرگونی درونی و بازگشت به اصل می پردازد. سخا و تواضع فصول بعدی را تشکیل می دهد و پس از آن اطمینان خاطر، آرامش درون و طمانینه پیش کشیده می شود. جوانمرد استوار و مطمئن و خاطر جمع در برابر مصائب و مشکلات می ماند. جوانمردی به معنی رسیدن به دوستی خدا است، کسی که به سوی خدا در راه خدا و به وسیله خدا حرکت می کند. رسالت جنبه ظاهری حقیقت محمدیه و ولایت جنبه باطنی آن است. بدین معنی آنچه به صورت وحی نازل می شود، امام از راه نهان روشی از درون الهام می گیرد. بدین ترتیب رسیدن به مقام هنرمندی نیل به مقام جوانمردی به معنای مشاهده حقیقت به چشم باطن و رسیدن به جایگاه جوانی دل و توانایی رویت زیبایی از طریق بصیرت باطنی است. هنرمند در مقام تاویل از راه نهان روشی و وفاداری به قول و پیمان توانایی بازگرداندن زیبایی را به حقیقت آن می یابد. روشن است که ادراک زیبایی و تاویل هر زیبایی به حقیقت آن در گرو تزکیه نفس است. برای هنرمند و صنعتگر سنتی کار به تبع معنا و فعل به تبع اخلاق قابل تعرف بود چنانچه در رساله نقش بندیه بر فراز عمل معماری آیتی چون «دست به کار، دل به یار» مبین روح عمل و غایت آن بود. (بلخاری، ۱۷۵)

در جامعه سنتی، حاکمیت اصل وحدت که همه اجزا را در پناه توحید، متحد و هماهنگ می خواست از هنر و ادب به عنوان تجلی زیبا شناختی حیات انسانی، عاملی برای تعالی روح اجتماعی و فردی انسان ساخت. آثار ادبی و هنری که اول و لا ذات از روحی مهذب و مزکی سرچشمه گرفته و با انعکاس منشا ازلی و جاوید، مخاطب و ناظر را به سلوکی عارفانه با معنا دعوت می نمود، شاهد مثال ایده فوق است. در پناه آن وحدت، اثر هنری نمی توانست ناقض و نافی دیگر باشد. اخلاق تجلی ظهوری و عملی عقیده و هنر تبلور زیبا شناختی آن بود. در آخر خلاصه ای از دو نمونه از فتوت نامه ها را ذکر می نمایم تا مشخص گردد وقتی هنر و صنعت با اخلاق و معنویات علی (ع) گره بخورد چگونه عبادت می شود؟

بخشی از فتوت نامه چیت سازان که به هنرها و صنعت هویتی کاملاً اخلاقی و معنوی می بخشد:

سوال: اگر پرسند که قالب چه چیز است و پشت قالب چیست و روی قالب چیست، خطبه قالب چیست؟ ذکر قالب چیست و قالب چند رکن دارد و محراب قالب چیست و قالب در دست تو نر است یا ماده و استاد که تو را روی به راه کرد به تو چه گفت؟
جواب بگو: قالب کسوت پیداست و پشت قالب توکل است و روی قالب صورت پیدا است، و خطبه قالب این است که بخواند و قالب را کار فرماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم افتح لنا بالخیر و اجعل عواقب اموری کلها بالخیر لا اله الا انت علیک توکلت و انت رب العرش العظيم.» و قالب چهار رکن دارد: شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت و محراب قالب شال است و منبر قالب کار است، و عشق قالب رنگ است و خادم قالب و فراش قالب پارچه است. و کسی که از طریقت اولیا بی خبر است قالب در دست او ماده و کسی که خدمت استادی کرده باشد و از طریقت باخبر باشد قالب در دست او نر است. و استاد که مرا روی به راه کرد مرا گفت: که با مردم و با خلق به خلق باش. (بلخاری، ۱۳۸۹):

(۱۷۵)

حضرت علی (ع) ضمن تجلیل از کارگران اهل علم و صاحب فن می فرماید: ان الله يحب العبد المحتوف الامین: خداوند انسان صنعتگر و درستکار را دوست می دارد.

لا تطلب سرعه العمل و اطلب تجوید فان الناس لا یستلون فیم فرغ من العمل انما یستلون عن جوده صناعه: هیچگاه سعی نکن که کار را با عجله به پایان رسانی بلکه تلاش کن تا آنرا خوب انجام دهی چون مردم نمی پرسند که در چه مدت این کار را انجام داد بلکه از کیفیت آن سؤال می کنند

بخشی از فتوت نامه آهنگران

سوال: اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب: بگو که دوازده شرایط است. اول پاک بودن، دوم طهارت بودن، سیم راست بودن، چهارم دستگاه استادان پاک نگاه داشتن، پنجم خلاف نگوید، ششم چراغ استادان را روشن کردن، هفتم اول و آخر به ارواح استادان و پیران تکبیر گفتن، هشتم از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن، نهم پنج وقت نماز گزاردن، دهم وظیفه استادان را دانستن، یازدهم به روی خریدار سخت تند نگوید، دوازدهم در کار خود ثابت قدم بودن. هر استادی که اینها و مساله ها و شرایط را بداند پیران مقدم از وی راضی و خشنود باشند و هر چه از این کسب خورده باشد یا پوشیده باشد ممر حلال باشد. داود خلیفه الله او را به خدمت درآرند. (طهوری، ۱۳۹۱، ۱۰۱)

نتیجه:

در این پژوهش به این نکته اشاره نمودیم که وجود هنرمندان خلاق و نوآور و آشنا با مبانی هنر ایرانی اسلامی، یکی از خلاهای عرصه هنر در جامعه ی امروز ما است همچنین گرایش شدید هنرمندان ایرانی به سبک های مدرن غرب از آسیب های جدی هنر معاصر ایران است. از آنجا که میان فرهنگ و دیدگاه هنر غربی و هنر ایرانی اسلامی هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد و از دو دنیای متفاوت هستند، تقلید از هنر غرب، هنر ایران را اساساً دگرگون ساخته و فضای سنتی و دینی آن را به اضحلال کشانده است. بدین گونه، فاصله ی میان مخاطبان، هنرمند و اثر هنری هر روز بیش تر می شود با این شرایط، جامعه هنری ما قادر نیست نیازهای اجتماعی، فرهنگی و هنری را فراهم کند. با ادامه این روند نمی توان در زمینه هنری انتظار نوآوری، و هنری متناسب با فرهنگ کشور داشت. این مقاله در نظر داشت با توجه به فرهنگ جامعه ایران که فرهنگ اسلامی و شیعی است پیشنهاد دهد هنرمندان به جای توجه و تقلید از نظریه پردازان غربی که هیچ نزدیکی به فرهنگ و جامعه اسلامی ایران ندارند (علی(ع) و سلاله پاکش را استاد و پیر خود قرار دهند. برای این منظور با رجوع به تاریخ به حلقه هایی رسیدیم که هنرمندان با درآمدن به عضویت آن ها از طریق تزکیه نفس به حقیقت می رسند و از روی معرفت به بیان حقیقت در اثر هنری می پرداختند علی سلسله فتوت است و هنرمندان و پیشه وران با اقتدا به او کار و هنر خویش را به بهترین شکل عرضه می کردند چون اهل فتوت جوانمرد است و جوانمردی هم در دوستی با ولایت است از صفات جوانمرد این است که سود دوستان را بر سود خود مقدم می شمارد بیچارگان را یاری می دهد راستگوست و به عهد خود می ماند جوانمردان این صفات را در علی دیدند و در همه کارها پیرو او بودند آیا چنین هنرمندانی می توانستند هنر بد بیافرینند؟ در چنین فرهنگ نابی هنر از خداوند سرچشمه می گرفت و به واسطه جبرئیل به محمد(ص) و از طریق پیامبر به علی(ع) انتقال می یافت تا ایشان به پیران و استادان فن تعلیم دهد. این است که منشا و آغاز هنر به خداوند می رسد و هنرمند بعد از تزکیه نفس شایسته هنرمندی میشود و هنری ناب می آفریند. هنر نتیجه استادی در یک فن بود که در نتیجه تزکیه نفس به وجود می آمد. و هیچ هنری بی استاد نبود و هر کاری بی استاد بی بنیاد بود. در فتوت نامه ها اولین راهنمایان هنرمندان و پیشه وران حضرت رسول و شاه ولایت و سلاله پاکش بودند و فرد هنرمند با استعانت از این بزرگواران از طریق پرداختن به هنر و پیشه به تقویت باطنش می پرداخت و هنر و فنش با جان وجودش یکی میشد و هنری می آفرید ناب که در خور جامعه اسلامی و شیعه بودو معنای از هنر آفریده می شد که امروزه بیگانه به نظر می رسد. به همین دلایل است که هنر اسلامی-شیعی نمی تواند از واقعیات ناگزیز زندگی و اسلام منش زندگی جدا شود و در خلاء به آن پرداخته شود. هنر اسلامی-شیعی مظهر و تبلور علی(ع) است. اسلام، هنر اسلامی-شیعی و مسلمانان در هر سطحی از وجود جداناپذیرند. هنر شیعی عمیقاً بر سعادت و بهروزی جسمی، احساس و معنوی مردمان تاثیر می گذارد. بنابراین هنر اسلامی، ابعاد جسمانی، احساسی و معنوی زندگی مردمان درهم آمیخته می شود. بر این اساس، اگر این پیوندها از هم بگسلد، ناقوس مرگی است برای هنر اسلامی.

منابع

- ۱- ابن شهر آشوب، محمد حسین، المناقب، محمد حسین آشتیانی، ۱۳۷۶ق، موسسه تحقیقات و نشر اعل بیت (منبع الکترونیکی)
 - ۲- بلخاری، حسن، نقش اخلاقی هنر در تعالی فرهنگی، مجله راهبرد فرهنگ، ۱۳۸۹، شماره دهم و یازدهم
 - ۳- پازوکی، شهرام، رویکرد عرفانی به هنر اسلامی (مجموعه مقالات به اهتمام هادی ربیعی)، تهران، نشر شادرنک، ۱۳۸۸
 - ۴- ربیعی، هادی، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی، تهران، نشر شادرنک، ۱۳۸۸
 - ۵- ریخته گران، محمدرضا، انقطاع صورت: هنر و تحقق صورت، مجله هنر و اندیشه، ۱۳۸۵، شماره
 - ۶- رسولی محلاتی، سید هاشم، غرور الحکم و درر الکلم، ج یک، نشر مشهور، ۱۳۹۲
 - ۷- شریف رضی، نهج البلاغه، دشتی، محمد، ج یک، نشر مشهور، ۱۳۹۴
 - ۸- قمی، عباس، سفینته البحار، نشر اسوه، ۱۳۴۴
 - ۹- طهوری، نیر، ملکوت آینه ها، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱
 - ۱۰- کرین، هانری، آئین جوانمردی، تهران نشر سخن، ۱۳۸۳.
 - ۱۱- کوش، دنی، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، فریدون وحید، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۱
 - ۱۲- مهدیزاده، علیرضا، نقش آموزش و پرورش در توسعه هنر، مجله رشد آموزش هنر، ۱۳۸۸، شماره یک، دور هفتم
 - ۱۳- مهدوی نژاد، م- قدمی، م و افضلی، ک، نقش هنر در تربیت معنوی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰
 - ۱۴- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مسنبط المسائل، نشر بیروت لبنان، ۱۴۰۸
- OMER SPAHIC KEMANUSIAAN. 22 N0. 1(2015). 101-126